



گفت و گو با ژیلای شاهی بازیگر قصه شیرین برای رسیدن به سیمرغ میان بر نمی زنم

دوست داشتنی بود، خیلی لذت بردم به دلیل این که بخش کوچکی از این فیلم بودم.

نقش را برای رسیدن به سیمرغ انتخاب نمی کنم و دوست دارم نقشی را بازی کنم که از عهده آن به بهترین شکل بر بیایم و بتوانم کارم را درست انجام بدهم، اما این که نقشی را قبول کنم تا میان بری باشد برای رسیدن به سیمرغ، جزو اصول انتخابم برای نقش نیست. همیشه سعی کرده ام کارهایی را انتخاب و با تیم هایی کار کنم که در جای دستی قرار بگیرم و از انتخاب هایم پشتیبان شوم و همه تلاشم را می کنم کارم را به بهترین شکل انجام بدهم و این برای من اصل و اهمیت یک کار است.

درست است که من در تئاتر هم حضور داشتم اما به نظر من نباید مرز بکشیم و به عده ای بگوییم این ها فقط می توانستند تئاتر کار کنند و آن ها فقط سینما. یک بازیگر مختار است هم در سینما و هم در تئاتر کار کند. این تفاوتی با هم ندارد فقط شاید اندازه بازی در مدیوم تئاتر و سینما متفاوت باشد. هر کسی با توجه به شرایط و علاقه می تواند هر زمینه ای را که دوست دارد برای فعالیت انتخاب کند و من از این خط کشی ها برای بازیگری خوشم نمی آید.

به اعتقاد من «قصه شیرین» فیلمی است که واقعا نشان دهنده سینماست یعنی اگر کسی به سینما می رود تا فیلمی ببیند، به نظرم «قصه شیرین» سینمای واقعی است. این فیلم دارای ویژگی هایی است مانند: کارگردانی آقای میر کریمی که هر کس جهان فیلم های ایشان را دنبال کند، از دیدن این فیلم پشتیبان نمی شود و از دیگر ویژگی هایش، روند شخصیت پردازی و اطلاعات دهی است؛ این که شخصیت ها از کجا شروع می شوند و چه موقعیت هایی برایشان پیش می آید و چه تصمیم هایی می گیرند، این فیلم را تماشا می کرده است. این که با توجه به اجتماعی بودن این فیلم چطور ارزیابی شود در حیطه اطلاعات من نیست اما پیشنهاد می کنم افراد این فیلم را ببینند چرا که از دیدنش پشتیبان نمی شوند.

دلارام صادقی یکی از نقش های مهم فیلم «قصه شیرین» نقشی است که ژیلای شاهی آن را برعهده دارد و برای ایفای آن در جشنواره فجر نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل هم شد. تلاش شاهی برای ایفای این نقش در طول فیلم مشخص است و نقشی را هم که بازی می کند با وجود لهجه ترکی آذری و ترجمه برانگیزی که در آن دیده می شود دلچسب ترش می کند. با او گپی زدیم که بدون پرسش ها، پاسخ های او را می خوانید.



چیزهایی که در زندگی خیلی ها به سادگی و راحتی در دسترس است، خیلی تلاش می کنند. قشری از زن های جامعه برای ساده ترین و دم دستی ترین نیازها باید تلاش بکنند و «نجمه» از آن دست زن هایی است که شاید به دنبال ساختن یک زندگی معمولی و ساده باشد، ولی در مواجهه با مردی است که خودش یک زندگی نصفه و نیمه را رها کرده و مدام از آن فرار می کند و زمانی که در ادامه زندگی با «نجمه» برخورد می کند زندگی دیگری شکل می دهد، اما وقتی همه چیز در موقعیت در سش نباشد، نتیجه درست هم نمی دهد؛ در واقع به نظر من این دو شخصیت به سرانجامی که دلشان می خواهد نمی رسند.

«قصه شیرین» هم تجربه سختی بود و هم دلچسب. شرایط سخت در فیلمسازی را خیلی دوست دارم. هر چقدر فیلم سخت تر باشد جذابیتش برای من بیشتر است. ویژگی هایی که «قصه شیرین» داشت یک فیلم جاده ای بود و درست است که شاید شرایط بازیگری اش سخت باشد اما بی اغراق این را می گویم یک تیم بسیار حرفه ای و دوست داشتنی کنار هم جمع شده بودند. وقتی خیلی ها به من می گویند سه ماه فیلمبرداری این فیلم طول کشید انگار که اصلا پادمان نیست و زمان برای من خیلی کوتاه گذشت، به این دلیل که حضور در صحنه آقای میر کریمی، حضور آقای محسن قرایی، حامد بهداد و همه دوستان برای من مثل یک کلاس درس جذاب و

من توسط آقایان محسن قرایی فیلمنامه نویس و محمود دهقانی گریمور «قصه شیرین» به آقای میر کریمی معرفی شدم اما از قبل هم با ایشان آشنا بودم؛ آقای میر کریمی کارگردان شناخته شده ای هستند و همه ما ایشان را می شناسیم. من از قبل هم به کارهای آقای میر کریمی و جهان فیلم هایشان علاقه داشتم و دوست داشتم روزی موقعیتی پیش بیاید که بتوانم با ایشان کار بکنم و خدا را شکر که این فرصت را به من دادند و از ایشان ممنونم.

«قصه شیرین» خیلی درست نوشته شده بود، بخشی از کدها برای این که بتوان به نقش نزدیک شد در فیلمنامه وجود داشت، یعنی وقتی فیلمنامه خوانده می شد بسا راهنمایی کارگردان به آن می رسیدم و یک سری چیزها هم هست که به خود من بازیگر برمی گردد که باید برای رسیدن به نقش تلاش کنم. یکی از آن ها پیدا کردن مابه ازای بیرونی این زن هاست و زمانی که مشاهده قوی تر شود می توان در جامعه این افراد را پیدا کرد، جهان این زن ها را فهمیدم و به این گونه از زن های جامعه نزدیک تر شد. این نقش از آن دست نقش هایی بود که آدم را به چالش می کشد و خیلی خوشحال بودم که این نقش به من پیشنهاد شده و با همه وجودم دوست داشتم که آن را بازی کنم.

من برخورد مستقیم نداشتم اما در جامعه، چنین آدم هایی دیده می شوند و نیازی به دقیق شدن نیست؛ زن هایی که برای به دست آوردن اولین



«قصه شیرین» هم تجربه سختی بود و هم دلچسب. شرایط سخت در فیلمسازی را خیلی دوست دارم. هر چقدر فیلم سخت تر باشد جذابیتش برای من بیشتر است